

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مېباد بدين بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده
اول اپریل ۲۰۱۰
شهر اسن – المان

راکت پرانی

ای خدا ، تاکی وطن سوزد ، ز جهل اشقیا راکت و خمپاره بارد ، از زمین و از هوا
جاهلان گویند ، می آید امیر باوفا لیک نبود باوفا ، بل بی وقار و بی حیا
وای از این ناکسان و نابکاران دغا
سُرمه آزموده ، آزمودن خطا و نابجا
مدعی ، بر ضد ما شیرین زبانی میکنه کارتکیها روز و شب دیگچه پزانی میکنه
گلبدین باز آمده ، راکت پرانی میکنه جاهل بی عقل از او پشتیبانی میکنه
وای از این ناکسان و نابکاران دغا
سُرمه آزموده ، آزمودن خطا و نابجا
چک چکیها ! از حقیقت چشم پوشی تابکی؟ مستی از خون یتیمان ، باده نوشی تابکی؟
یعنی بر اعراب وحشی خود فروشی تابکی؟ بر جنایات شما ، مهر خموشی تابکی؟
وای از این ناکسان و نابکاران دغا
سُرمه آزموده ، آزمودن خطا و نابجا

یادِ ایامی که گلبدین ، راکت می پراند خوجئین ربانی ره دفتر به دفتر می دواند
زیر پای حضرت سیاف خود را میخواند آبرو هرگز به این بدنام دوران می نماند

وای از این ناکسان و نابکاران دغا

سُرمه آزموده ، آزمودن خطا و نابجا

یاد داری ، بود اخوان الشیاطین نام او گاهی هم اشرار بیمقدار ، بودی کام او
با کباب دل، شراب خون ، بودی شام او بچه رقصانی همیشه نیز پشت بام او

وای از این ناکسان و نابکاران دغا

سُرمه آزموده ، آزمودن خطا و نابجا

فرق گلبدین و کارمل ، از زمین تا آسمان آن یکی از مُسلمان و دیگری از منکران
کارمل می کشت هرگاه با شعار لقمه نان گلبدین می کشت ، با نام خداوند و قرآن

وای از این ناکسان و نابکاران دغا

سُرمه آزموده ، آزمودن خطا و نابجا

بستن پیمان و عهد رهبران یادت نره نقض میثاق شیاطین زمان یادت نره
شیشه ناموس و سنگ قهرمان یادت نره ناشکن ! بشکن که دندان در دهان یادت نره

وای از این ناکسان و نابکاران دغا

سُرمه آزموده ، آزمودن خطا و نابجا

خرمن هستی مردم ، سوختن از بهر چه پشت دین و باور ایشان سخن از بهر چه
طعن زرتشتی به فرزندان زدن از بهر چه قبر خود را کنده دوزیدن کفن از بهر چه

وای از این ناکسان و نابکاران دغا

سُرمه آزموده ، آزمودن خطا و نابجا

رو بشوی اول دهان و هم لب و دندان خود بعد ازان بگذار شاعر را سر میزان خود
از (بهار) و از (سعید) و «نعمت» نالان خود حیف گر ظاهر کنی در شعرشان کفران خود

وای از این ناکسان و نابکاران دغا

سُرمه آزموده ، آزمودن خطا و نابجا